

تأثیر عوامل محیطی بر شعر پایداری (نمونه موردی: شعر عزالدین مناصره)

دکتر حمید ولیزاده^۱، فاطمه تنها^۲^۱(استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز)^۲(دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) ** (نویسنده مسؤول: k.tanha68@gmail.com)

چکیده

عزالدین مناصره از شعرای برجسته معاصر فلسطینی است که در حوزه شعر مقاومت و فلسطین با طرح مضامینی نو در حوزه نقد با ارائه نظرات خود جایگاه خاصی در ادب معاصر یافته است. حضور شخصیت‌های سنتی، بویژه شخصیت‌های مؤنث اسطوری و فولکلوریک در شعر وی از بسامد بالایی برخوردار است و شاعر تحت تأثیر عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، با هنرنمایی خاص، در القای مفاهیم مورد نظر از آن الهام گرفته است. از یافته‌های پژوهش برمی‌آید که عزالدین مناصره به عنوان شاعری آواره که در خارج از سرزمینهای اشغالی به سر می‌برد، از مقاومت در خارج از مرز فلسطین و از اردوگاه و اسارت می‌گوید و همواره اشتیاق بازگشت به وطن را در سر دارد. نگارندگان در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده، برآنند تا دیدگاه‌های شاعر را در خصوص وطن، تبعید و آوارگی و تأثیر محیط بیرون از فلسطین بر مضامین شعر وی را بررسی نمایند.

کلمات کلیدی: وطن، پایداری، عامل محیط، شعر، عزالدین مناصره

مقدمه

مقاومت و پایداری یکی از ارزش‌های انسانی و هنری است که در برابر ظلم دیگران که در حق سرزمین‌ها و مردمان روا می‌دارند، مورد اهتمام و توجه ادباء قرار گرفته است. (بلشمری، ۱۹۸۱: ۲۰) در این راستا تاریخ شعر عربی سرشار است از شعر قهرمانی و مقاومت که به "شعر الحرب"، "شعر الحماسة" و "شعر الفخر" معروف می‌باشد. (غریبی، ۲۰۰۴: ۳۳) این نوع شعر مردم را به پایداری و مقاومت، تحریض و تشویق می‌نماید. (همان) بر همین اساس، یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته شعر معاصر عربی، درگیر شدن با موضوعات پیرامونی و واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... کشورهای عربی و اسلامی است. به عبارت دیگر شعر معاصر عربی و شعرای نامدار و برجسته‌ی

مقاومت ادبیات معاصر و ادبیات فلسطین همچون سمیع القاسم، محمود درویش، نزار قبانی، معین بسیسو، عزالدین المناصره، محمد مهدی جواهری و... به خوبی توانسته‌اند، تصویرگری واقعی و آیینی تمام نمای جامعه معاصر خود باشند و در واقع تا حدودی در مقاومت، مبارزه با ظلم و استبداد و اشغالگری‌ها، با مردمان و هم‌نوعان خود همگام و هماهنگ بوده‌اند. (میرزایی، ۲۰۰۶: ۱۰۸). «مسأله فلسطین مشکل مردمی است که در راه به رسمیت شناخته شدن و آزادی سرزمین خود مبارزه می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند دولتی مستقل و آزاد داشته باشند و برای برقراری همین هدف، در برابر بدترین شکل اشغال و نژاد پرستی مبارزه می‌کنند» (حاج ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۱۹۳) بنابراین باید اذعان داشت، انقلاب فلسطین و مبارزات مردمش، صرفاً برای آزادی فلسطین نیست بلکه آنها برای ارزش‌های انسانی مبارزه می‌کنند» (همان). بازتاب مصائب فلسطین با ابعاد مختلفش در شعر معاصر، جلوه‌ای خاص به خود می‌گیرد و ماهیتی جدید به آن می‌بخشد تا جایی که امروزه کمتر شاعر عربی می‌بینیم که به آن نپرداخته باشد. به عبارتی دیگر، به نظر می‌رسد شعر معاصر عربی، همگام با تحولات دنیای معاصر، نمی‌تواند نسبت به جریان‌های اخیر جامعه‌اش، که امروزه در جهان معاصر در گردابی از تفکرات جدید فرو رفته است بی‌تفاوت بماند. «اندیشمند و هنرمند نیز در معرض چنین امواج گسترده‌ای قرار دارد» (توفیق حکیم، ۱۹۵۲: ۱۸۰) از طرفی دیگر می‌بینیم «جوامع بشری به اندیشمند اجازه نمی‌دهد تا نسبت به امورشان بی‌تفاوت باشد یا اینکه خود را به نادانی بزند» (همان) لذا ضروری است که هنرمند یا اندیشمند در جریان امور جامعه‌اش قرار گرفته در آن‌ها زندگی کند.

به رغم این واقعیت که شاعران رانده شده و نیز ساکن فلسطین هر دو علاقه وافر خود را به سرزمین مادری‌شان، بیان کردند، ولی تجربه این دو دسته کاملاً متفاوت است. برای شاعران رانده شده، علاقه به خاک میهن، اشتیاق بازگشت به وطن، مطرح است ولی آنها که فلسطین را ترک نکرده اند و هنوز در کشور خود زندگی می‌کنند، با تاسف و